■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی‌ایران ■ مدیر مسؤول: مهدی عرفاتی ■ سردبیر: روحا... رجایی

جام جم

■ شاپا: ISSN۱۷۳۵-۳۶۳۷
■ پایگاه اطلاع‌رسانی: www.jamejamdaily.ir
■ پست الکترونیکی: info@jamejamdaily.ir

■ تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۲۹
■ تلفن: ۲۳۰۰۴۰۰۰ - ۰۲۱ ■ دورنگار تحریریه: ۲۲۲۲۶۲۵۲
■ سازمان شهرستان‌ها: ۴۵۸۹۷ ■ کد پستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳
■ امور مشترکین: ۴۴۴۲۲۹۳۰ ■ سازمان آگهی‌ها: ۴۹۱۰۵۰۰۰
■ پیامک: ۳۰۰۰۱۱۲۴۰ ■ روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲
■ چاپ: به‌صورت همزمان در تهران و شهرستان‌ها (چاپخانه‌های روزنامه جام‌جم)

سه‌شنبه ۱۳ خرداد ۱۳۹۹ | ۱۰ شوال ۱۴۴۱ | ۲۰ صفحه | سال بیست و یکم - شماره ۵۶۷۳ | استان تهران و البرز ۲۰۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۱۰۰۰ تومان | Tuesday - 2020 JUN 2

حدیث روز: کنزالعمال
پیامبر اسلام (ص): از نفرین مظلوم بپرهیز، زیرا وی به دعا حق خویش را از خدا می‌خواهد و خدا حق را از حقدار دریغ نمی‌دارد.

پلک احساس: حافظ
هان مشو نومید چون واقف نه‌ای از سر غیب
باشد اندر پرده بازی‌های پنهان غم مخور

امروز در تاریخ
- روز جهانی دوچرخه سواری
- ثبت پل خشتی لنگرود در فهرست آثار ملی
- درگذشت ابن سیرین بصری، خوابگزار معروف (۱۱۰ ق)

اوقات شرعی:
اذان ظهر: ۱۳/۰۲ — غروب آفتاب: ۲۰/۱۶
اذان مغرب: ۲۰/۳۷ — نیمه‌شب شرعی: ۰۰/۱۰
اذان صبح (فردا): ۴/۰۵ — طلوع خورشید (فردا): ۵/۴۹

پیش‌بینی آب و هوا چهارشنبه

تهران	اصفهان	تبریز	رشت	زاهدان	زنجان	مشهد	همدان
۳۸ / ۲۶	۳۷ / ۱۷	۳۰ / ۱۶	۳۰ / ۱۶	۳۷ / ۲۱	۳۰ / ۱۳	۳۹ / ۲۳	۳۱ / ۱۴

حکمت ۱۸۴ نهج‌البلاغه
از روزی که حق برای من نمایان شد، هرگز دچار تردید نشدم.

گفت‌وگو با مردی که در مراسم تغسیل امام خمینی(ره) حضور داشت

با اشک چشم، امام(ره) را غسل دادم

طاهره آشیانی
روزنامه‌نگار

بالاتر از پارک جمشیدیه، جایی که جماران به کوه می‌رسد، در دامنه‌ای که شبیه روستاست، پیرمردی زندگی می‌کند که نامش حاج حسین عرفاتی است. در اولین برخورد، لبخندش، نگاه مهربان و محجوبش درگیرت می‌کند. باورت نمی‌شود در ارتفاعات کلان‌شهر تهران مردی با روحیه روستایی زندگی کند. از خیابان‌های آسفالته جماران و پارک جمشیدیه به جاده فرعی و خاکی ادامه مسیر داده‌ایم تا با «حاج حسین عرفاتی» یکی از اهالی محله جماران که این افتخار نصیبش شده تا پیکر امام خمینی(ره) را غسل دهد، هم‌صحبت شوم. حاج احمد خمینی، آیت‌ا... رفسنجانی، آیت‌ا... پسندیده (برادر امام) و آیت‌ا... توسلی (از اعضای بیت امام) برخی شخصیت‌هایی هستند که آقای عرفاتی آنها را غسل داده است. مرحوم حاج احمد خمینی هم در زمان حیات با حاج حسین حشر و نشر داشته و گاهی در همین محل حضور پیدا می‌کرده. قبل از آغاز مصاحبه آلاچیقی را به ما نشان می‌دهد و می‌گوید: «حاج احمد آقا گاهی بعد از کار به اینجا می‌آمدند و در این آلاچیق، خستگی یک روز پرمشغله را در می‌کردند. گپ می‌زدیم، چای می‌خوردیم...» چشمانش پر از اشک می‌شود و می‌گوید: «حاج احمد آقا بعد از فوت امام سوخت...»

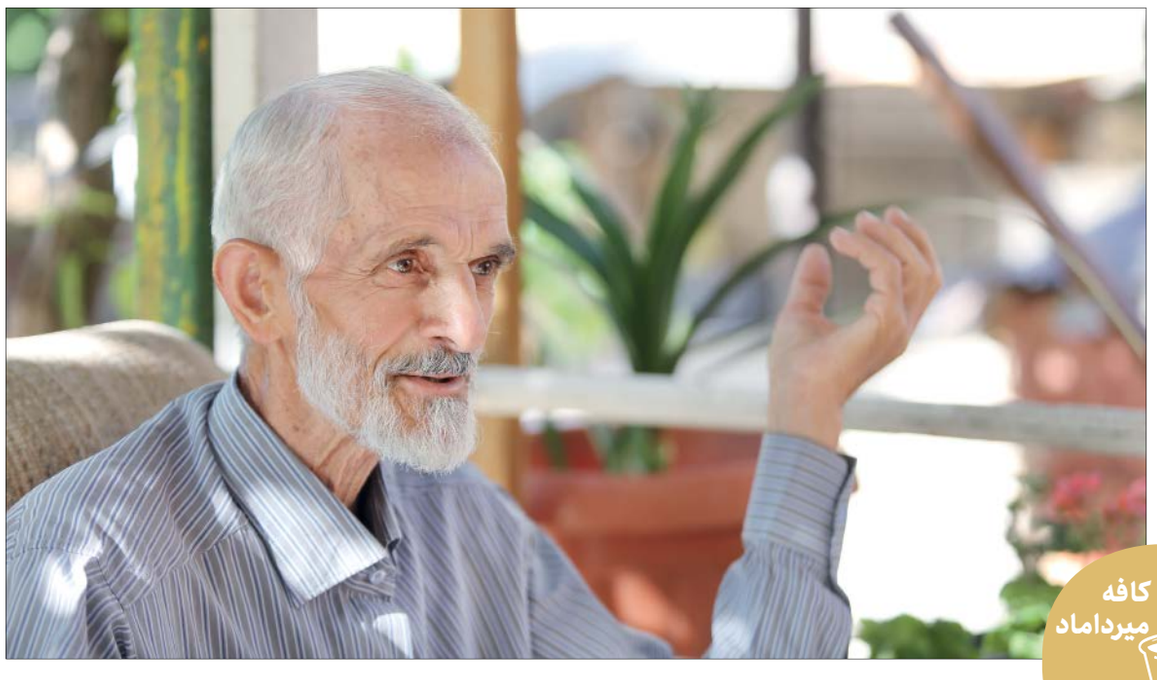
عکس: نازنین کاظمی‌نوا / جام‌جم

حاج احمد آقا چه ویژگی‌هایی داشت که چنین مجذوب شخصیت او شدید؟

خیلی خاکی بود. مدام اینجا می‌آمد، من چیزی نداشتم، زمستان‌ها می‌آمد و زیر کرسی می‌نشست و می‌پرسید: حسین آقا! شام چی داری؟ می‌گفتم: آبگوشت، گاهی هم اشکنه ... می‌گفت: به به، بیار. سفره پهن می‌کردیم و او هم با من و کارگر دامداری مشغول غذا خوردن می‌شد. صفایی داشت حضورش.

سن و سالتان به هم نزدیک بود؟ منظورم این است، دوران بچگی با هم مراوده داشتید؟

قبل از انقلاب، حاج احمد آقا به منزل دایی‌ام؛ حاج آقا امام جمارانی زیاد رفت‌وآمد داشت و من همان‌جا دیده بودمش. این که امام برای سکونت جماران را انتخاب کردند به‌دلیل همین رفت‌وآمدها بود. دایی‌ام به حاج احمد آقا گفتند که خانه پدری‌شان در جماران مناسب سکونت امام است، چند نفر از مسوولان آمدند و خانه را دیدند و قبول کردند.

خانه چه ویژگی‌هایی داشت که امام و همراهانشان آن را پسندیدند؟

خانه قدیمی بود. زمانی که این پیشنهاد داده شد، خانه بین ورثه تقسیم شده بود بین دو تا دایی‌هایم و خاله‌هایم که یکی از خاله‌ها هم در آنجا زندگی می‌کرد سه تا حیاط بود که امام وقتی آمدند در خانه‌ای که خاله‌ام زندگی می‌کرد، ساکن شدند و حیاط دیگر هم دفتر کار حاج احمد آقا شد. در حیاط حاج آقا مهدی هم خانواده امام سکونت می‌کردند. افتخاری بود که نصیب مردم جماران شد. آنقدر خوشحال بودند که مثل پروانه، شب و روز دور بیت امام می‌چرخیدند.

حسینیه چگونه آماده شد؟

حسینیه خیلی قدیمی است و دیوار به دیوار خانه پدربزرگم بود. در حال بازسازی بود که امام به جماران آمدند. دیوارهایش گچ و خاک بود و حاج آقا امام جمارانی سفارش کرده بودند که یک کامیون گچ بیاورند و دوسه روزه دیوارها را گچ کنند امام که متوجه موضوع شدند. گفتند: نه! همین گچ و خاک برای ما کافی است، که همانطور هم ماند و الان هم همان گچ و خاک است. فقط یک در از حسینیه به منزل امام باز کردند.

این تواضع و فروتنی که حتی نگذاشتند دیوارهای حسینیه گچکاری شود، در سبک زندگی‌شان هم وجود داشت؟

در همه چیز همین‌طوری بودند. زندگی امام خمینی(ره) آنقدر ساده بود که ما را شگفت زده می‌کرد. در آن سال‌ها که نفت جیره‌بندی بود، یک شعبه نفت در این منطقه بود که نفت را معمولا به پولدارهای جمشیدیه می‌داد و به محلی‌ها نفت نمی‌رسید. یک روز حاج‌آقا امام جمارانی مرا صدا زد و گفت: بچه‌ها را جمع کن و کامیون نفت که آمد، برای محلی‌ها نفت بیاور که دستشان خالی است. وانت و گالن‌های نفت را بردیم و پر کردیم و بین مردم تقسیم کردیم. به منزل امام که رسیدیم، گفتیم به جای یک گالن، ده گالن در بشکه مخصوص نفت بریزیم که منزل ایشان بدون نفت نماند. هشت تا گالن را خالی کرده بودیم که امام روی ایوان آمدند و پرسیدند آقایان چه می‌کنید؟ گفتیم: چون آمد و رفت به منزل شما سخت است و باید از نگهبانان اجازه بگیریم، امروز ده گالن برای شما آورده‌ایم که چند روزی نفت داشته‌باشید. پرسیدند به اهالی محل چند گالن می‌دهید؟ گفتیم: ۴۰ لیتر! گفتند: به ما هم همان ۴۰ لیتر را بدهید. بالای سر ما ایستادند و ما شش گالن را از بشکه به گالن‌ها برگرداندیم و وقتی خاطرشان جمع شد که نفت‌ها را از بشکه خالی کرده‌ایم، رفتند.

شنیده‌ایم برای قبول خانه جماران هم شرط گذاشته بودند که همه ورثه حضوری بیایند و رضایت بدهند.

بله! قبل از این که به جماران بیایند از دایی‌ام پرسیده بودند آیا بقیه ورثه هم رضایت دارند که خانه را به امام بدهند؟ حتی درباره رضایت مردم جماران هم سوال کرده بودند. حاج آقا امام جمارانی به ایشان اطمینان داده بودند. با همه اینها یک روز همه ورثه را جمع کردند و از همه سوال کردند آیا راضی هستید که ما ساکن این خانه شویم؟ همه ما گریه می‌کردیم و می‌گفتیم که باعث افتخار ماست که در منزل ما در جماران ساکن شوید. دفتر امام برای خاله‌ام که ساکن یکی از حیاط‌ها بود در همان جماران خانه‌ای خریداری کرد که او هم بی‌خانه نماند.

می‌گویند همسر امام از خانواده‌ای مرفه بوده‌اند، چگونه با این سادگی امام کنار آمدند؟

شوهر خاله‌ام حاج سید قاسم مسؤول خرید منزل امام بود. گاهی به ایشان کمک می‌کردم. یادم هست یک دیگ زودپز داشتند که سوپاپ‌هایش خراب شده بود اما امام اجازه نمی‌دادند که زودپز جدیدی خریداری شود و ما مدام این زودپز را برای تعمیر می‌بردیم اما هیچ‌وقت نشنیدیم که همسر امام گلایه‌ای داشته‌باشند. پرده‌ای برزنتی مقابل در حیاط آویزان بود که به مرور پاره و رنگ و رو رفته شده‌بود. روزی حاج آقا امام جمارانی به ما گفت: به بازار بروید و یک پرده جدید بخرید، همسر امام رفت و آمد می‌کنند، خوبیت ندارند، بعد از ظهری بود، نردبان گذاشته‌بودیم که پرده را عوض کنیم، امام برای قدم زدن به حیاط آمده‌بودند، جلو آمدند و پرسیدند چه می‌کنیم؟ گفتیم آقای جمارانی گفته‌اند پرده را عوض کنیم. باز هم فرمودند که نه! لازم نیست عوضش کنید، بگذارید همان پرده قدیمی باشد، همان پرده بود تا زمانی که فوت شدند. آن سال‌ها گوشت‌های منجمد برزیلی در بازار بود. برای غذای افراد بیت امام از همان گوشت‌ها خریداری می‌شد و بیشتر روزها از همان غذای بیت برای منزل امام هم می‌بردند و این جوری نبود که غذای دیگری پخته شود.

وقتی امام بیمار شدند در خانه هم بستری می‌شدند؟

نه! وقتی این اواخر حالشان خوب نبود، ایشان را بیمارستان بردند و در همین بیمارستان قلب جماران استراحت می‌کردند. بین خانه امام و بیمارستان، باغ خسروشاهی قرار داشت که برای حفظ امنیت، دست نیروهای بیت امام بود. از خانه راهی به باغ باز شده بود و دری هم به بیمارستان و از همان مسیر امام را به بیمارستان می‌بردند. باغ یک خانه قدیمی داشت که امام گاهی همراه آیت‌ا... طباطبایی؛ پدر همسر حاج احمد آقا، صبحانه را روی ایوان همین خانه قدیمی می‌خوردند و صحبت می‌کردند. من مدتی در همان باغ کار می‌کردم و درختان را هرس می‌کردم. یادم هست، یک روز «فاطمه خانم» که کارهای باغ را انجام می‌داد، برای امام انار دانه شده آوردند، من نزدیکی ایوان داشتم یک درخت چنار را هرس می‌کردم و در زاویه دید ایشان بودم، امام گفتند که از آن انار به من هم بدهند. حس خیلی خوبی بود وقتی امام را از نزدیک می‌دیدم، آن همه فروتنی و مردم‌دوستی حیرت‌آور بود.

چه شد که تغسیل امام را به شما سپردند؟

شبی که امام فوت شدند، دایی جان (حاج آقا امام جمارانی) یکی را فرستاد دنبالم. جماران آن شب قیامت بود. از همه جا آمده بودند. دایی‌ام با حاج احمدآقا نشسته بودند و گفتند آخرهای شب که خلوت‌تر شد، امام را غسل می‌دهیم. کار خدا بود که قرعه به نام من افتاد. زمانی که امام را می‌شستم آن‌قدر گریه می‌کردم و دندان‌هایم را روی هم فشار دادم که همه دندان‌هایم لق شده بود. بعد از مراسم امام همه دندان‌هایم را کشیدم و...

از شدت ناراحتی اینجوری شدید؟

وقتی امام با آن عظمت را می‌شستم و مدام با خودم می‌گفتم آخر من کجا و شست‌وشوی پیکر پاک امام کجا. البته آقایان امیدیان و محمد تیموری و چند نفر دیگر هم بودند و کمک می‌کردند؛ اما نیت غسل را من و حاج آقا توسلی انجام می‌دادیم. آقای توسلی بر پیکر امام آب می‌ریخت و من می‌شستم. در حیاط منزل امام این کار را انجام دادیم و همان‌جا ایشان را کفن هم کردیم. همه مسؤولان بلند مرتبه و بیت امام دور تا دور ایستاده بودند یا در اتاق‌ها بودند اما ما چند نفر کارهای شست‌وشو و کفن را انجام دادیم. تکه‌های کفن را گره می‌زدم که حاج آحمد آقا آمدند و گفتند نبند، می‌خواهم آقا را ببینم. صورتشان را باز کردیم و حاج احمد آقا صورت امام را بوسید. بعد هم که همسر امام آمدند و ایشان را دیدند. اما کفن امام در زمان تشییع پاره شد که با بالگرد پیکر ایشان را به اردوگاه منظریه آوردند و در آنجا با کفنی که آیت‌ا... خامنه‌ای فرستاده بودند، دوباره کفن و برای دفن به بهشت زهرا برده شد.

روحیه حاج احمد آقا بعد از فوت امام چگونه بود؟

روحیه‌شان خیلی بد بود! سوخت کلا. بعد از فوت امام با دایی‌ام و آقای توسلی به اینجا می‌آمدند و معمولا تا ۱۲ شب بودند و بعد به خانه می‌رفتند. کارشان در دفتر امام خیلی زیاد بود. چند تلفن روی میز کارش بود و همه کارهای دفتر امام را ایشان انجام می‌داد. یک شب قسم خورد و به من گفت استراحت من همین یکی دو ساعتی است که اینجا می‌آیم.

از ساده‌زیستی امام گفتید. نظرتان درباره معماری حرم ایشان چیست؟

همین‌قدر بگویم اگر به امام (ره) بود اجازه نمی‌دادند یک آجر برای ساخت چنین حرمی استفاده شود.

آیت‌ا... رفسنجانی را هم شما غسل دادید؟

بله، همان شب حاج آقا امام جمارانی به من تلفن کرد و گفت بروم به همان منزل امام در جماران و آقای رفسنجانی را غسل بدهم که منم رفتم. قبل از انقلاب، آقای رفسنجانی را می‌شناختم. منزلشان در محله بوعلی دزاشیب بود. دایی‌ام به ایشان گفته بود اگر گوسفند خواستید، حسین آقا دامداری دارد، می‌کشد و برایتان می‌آورد. قبل از انقلاب تقریبا ماهی یک‌بار به من تلفن می‌کردند و من برایشان یک گوسفند می‌کشتم و پوست کنده و آماده بار الاغ می‌کردم و می‌بردم در منزلشان.

چه حسی داشتید وقتی پیکر آقای رفسنجانی را می‌شستید؟

با همه حرف و حدیث‌هایی که پشت سر ایشان بود، حس بدی نداشتیم خدمتشان. اما شایعاتی درباره فوت ایشان بین مردم پخش شده بود. وقتی کارم تمام شد چند نفری از من سوال کردند، بدنش کبود بود؟ صورتش مشت نخورده بود؟ می‌گویند خفه‌اش کرده‌اند. جواب دادم: نه، هیچ اثری از کوفتگی و خفگی روی بدن ایشان نبود. سالم بود.

امام خطبه (ره) عقد شما و همسرتان را هم خوانده‌اند؟

بله، به واسطه دایی‌ام برای عقد ما وقتی را مشخص کردند. زمان خواندن خطبه عقد علاوه بر دایی‌ام، حاج احمدآقا و آقای توسلی هم حضور داشتند. حاج احمد آقا گفت حسین آقا یکی از دوستان من است که با دفتر هم همکاری دارد. ایشان هم گفتند: به‌به! مبارک باشد و به من و همسرم توصیه کردند با هم بسازیم تا عاقبت بخیر و خوشبخت شویم.

کافه میرداماد

به تماشای «سادگی»

از حاج حسین پرسیدم بعد از فوت امام (ره) خانه جماران چه شد؟ گفت: حاج احمد آقا که به دفتر رفت و آمد داشتند و همسر امام (ره) هم در همان حیاط زندگی می‌کردند. حسینیه هم که باز بود و مردم زیادی برای دیدن می‌آمدند. بعد از فوت همسر امام، خانه‌ای که ایشان آنجا زندگی می‌کردند، موزه شد. در سال‌های اول، دایی‌ام، حاج آقا امام جمارانی در سالگرد ارتحال امام با هزینه شخصی برای مردمی که به جماران می‌آمدند ناهار و شام آماده می‌کرد. برای این مراسم چیزی حدود ۸۰۰ کیلو برنج پخته می‌شد.

با ارزیابی کیفی فشرده

IMIDRO
IRANIAN MINES AND MINING INDUSTRIES DEVELOPMENT AND RENOVATION ORGANIZATION
سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران

آگهی فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله‌ای

سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران، طرح منطقه ویژه اقتصادی کاشان در نظر دارد، **فراخوان مناقصه عمومی یک‌مرحله‌ای با ارزیابی کیفی فشرده، با موضوع انجام امور خدمات حراست و حفاظت فیزیکی طرح منطقه ویژه اقتصادی کاشان را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت** برگزار نماید.

● لذا از واجدین شرایط دارای پروانه فعالیت معتبر با رتبه حداقل (۳) از مرکز انتظام پلیس پیشگیری ناجا و گواهینامه معتبر صلاحیت ایمنی پیمانکار از وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی دعوت به‌عمل می‌آید جهت دریافت اسناد به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.com به شماره مناقصه **۲۰۹۹۰۰۳۰۰۷۰۰۰۰۲۲** مراجعه نمایند.

۱ نام و نشانی مناقصه گزار: سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران - طرح منطقه ویژه اقتصادی کاشان
اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گزار: تهران، میدان فردوسی، خیابان سپهبد قرنی، نرسیده به خیابان سمیه، نبش کوچه شریف، پلاک ۳۹، سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران، کدپستی **۱۴۵۱۳-۱۵۸۱۶**، **تلفن: ۸۸۸۰۷۴۱۹-۰۲۱**

۲ شرایط متقاضی: دارای پروانه فعالیت معتبر با رتبه حداقل (۳) از مرکز انتظام پلیس پیشگیری ناجا و گواهینامه معتبر صلاحیت ایمنی پیمانکار از وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی

۳ موضوع مناقصه: عبارت است از انجام امور خدمات حراست و حفاظت فیزیکی از کلیه اموال منقول، غیرمنقول، کنترل ورود و خروج و حفاظت از اراضی، محوطه، فنس و دیوار پیرامونی، تأسیسات، یک حلقه چاه و سایر مستحدثاتی که در محدوده فنس کشی در طی دوره قرارداد در سایت منطقه ویژه اقتصادی کاشان احداث می‌شود به همراه گشت نقلیه موتوری و خودرو به صورت **۲۴** ساعت شبانه روزی

۴ مدت اجرای کار: یک‌سال شمسی

۵ مدت اعتبار پیشنهادها: ۳ ماه پس از پایان تحویل پیشنهادها

۶ نوع و مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: یک فقره ضمانتنامه بانکی به مبلغ **۵۰۱/۷۱۱/۱۹۲** ریال به صورت ضمانتنامه بانکی یا فیش واریز نقدی که توسط یکی از بانک‌های مجاز صادر و امضاء شده باشد و برای مدت **۳** ماه از تاریخ پایان پیشنهادات اعتبار داشته و قابل تمدید باشد. (ضمانتنامه باید دارای شماره سپام بوده و هیچگونه شرطی از سوی بانک نباید در ضمانتنامه درج گردد).

۷ محل و مهلت زمانی دریافت اسناد ارزیابی کیفی و مناقصه: از تاریخ درج آگهی لغایت پایان وقت اداری روز **چهارشنبه** مورخ **۱۳۹۹/۰۳/۲۱** ساعت **۱۴** از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت **(ستاد)** به آدرس www.setadiran.ir در دسترس خواهد بود.

۸ محل و مهلت زمانی ارائه پیشنهاد: پایان وقت اداری **(ساعت ۱۴)** روز **شنبه** مورخ **۱۳۹۹/۰۴/۰۸** از طریق بارگذاری در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت **(ستاد)** به آدرس www.setadiran.ir، و فیزیک اسناد مناقصه پس از بارگذاری در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت **(ستاد)** به آدرس مناقصه گزار **(مندرج در بند ۱)** تحویل گردد.

● کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد ارزیابی کیفی و مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکت‌ها، از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت **(ستاد)** به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد. لازم است مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

م الف / ۶۶۹